

پرویز ورجاوند

ملیونی که در دهه 30

خویش را جا گذاشته اند

روزنامه شرق، در شماره 22 سپتامبر 2005 خود توضیحی از محمد علی عموی را منتشر کرده که ما ضمن باز انتشار آن، ذکر نکاتی را ضروری می دانیم:

این که سایت های مورد اشاره در توضیح محمد علی عمونی چه مصاحبه ای را، با چه کیفیتی منتشر کرده اند و یا نکرده اند و روزنامه شرق با چه سیاستی مطلب مورد اشاره محمد علی عموی را منتشر ساخته و یا تعمدی داشته و یا نداشته، همه به جای خود مطرح است و انگیزه ما برای این یادداشت این نکات نیست. مسئله اساسی برای ما آن پافشاری ریشه دار و بیمارگونه ایست که برخی از بازماندگان طرفدار دکتر مصدق که در زمان او محلی از اعراب نداشته اند ولی حالا پا به سن گذاشته و پرچمدار شده اند در ستیز با حزب توده ایران دارند. این ستیز نانی بیات و از دهن افتاده است، اما این افراد که نه از گذشته آموخته اند و نه در سن و سال کنونی امکان بازآموزی تاریخ را دارند همچنان همین نان را بر دهان می گذارند. شمار آنها به انگشتان یک دست هم نمی رسد، اما از آنجا که در کسوت مدرس و استاد راه به دانشگاه های ایران دارند در کشاندن نسل جوان طرفدار سیاست های ملی، متأسفانه نقش ایفاء می کنند. آقای پرویز ورجاوند از این جمله بازماندگان است، که در هر بزنگاهی که در سالهای گذشته توانسته علیه حزب توده ایران دست به تخریب سیاسی زده است.

در سالهای نخست دهه 70 (درآستانه انتخابات مجلس پنجم) دیدارهایی در تهران انجام می شد که در آن برخی رهبران ملی- مذهبی و شخصیت های صادق و واقعا ملی نظیر داریوش فروهر و گاه پروانه فروهر با هدف گفتگوی سیاسی در آن شرکت می کردند و هر از چندگاهی یا جمعا و یا بصورت فردی دیداری هم با محمد علی عموی صورت می گرفت. این دیدارها هرگز نتوانست منظم و فارغ از بحث های خسته کننده سالهای پس از کودتای 28 مرداد پیش برود. شادروان داریوش فروهر در آخرین سفری که برای عمل جراحی مهره های گردن به آلمان کرد، در دیدار و گفتگوی صمیمانه و فراموش نشدنی که با چند تن از اعضای شورای سردبیری راه توده داشت، در پاسخ به این پرسش که چرا دیدار منظم با توده ای های هم سن و سال خود در ایران ترتیب نمی دهید، صادقانه گفت: «برخی از آقایان ملی مثل ورجاوند دوسره بار می کنند. هم دست از توده ای ستیزی بر نمی دارند و هم معیشتی دارند که با همین توده ای ستیزی فکر می کنند ادامه آن را تضمین می کنند. ما هنوز نتوانسته ایم امثال ایشان را برای این دیدارها قانع کنیم.»

در همان دیدار مسئله ملی مذهبی ها و نهضت آزادی مطرح شد و داریوش فروهر با خرسندی گفت: «با آنها مشکلی نیست، مقداری تیشه به سمت حکومت اند اما زبان مشترک هست و تلاش می کنیم برخی فاصله ها را کوتاه کنیم.»

وقتی اکنون محمد علی عموی، پس از 37 سال زندان استبداد و ارتجاع از خنجری که پرویز ورجاوند به پهلوی توده ایها فرو کرده می نالد، حیف است در اینجا که می توان به موضوع پرداخت، آن فغان آرام را به سخنی صریح بیان نکنیم: آقایان بس کنید! ما اگر می گوئیم آن گذشته مربوط به گذشته است و نه حرف و سخن امروز، برای رسیدن به اتحاد نظر و عمل و منتقل نساختن بیهوده آن بحث ها به نسل جدید و غرق کردن آن ها در این بحث کهنه است. بحثی که تردید نداریم از درون ارگان های امنیتی جمهوری اسلامی نیز برای خنثی سازی هر نوع اتحادی بدان دامن زده می شود. زبان توده ای ها کوتاه نیست و سخن بسیار دارند؛ چه درباره سالهای جنبش نفت و ترکیب دولت مصدق و سیاست های دولت در آن

دوران، چه درباره زمین گیر شدن دولت مصدق در برابر کودتای 28 مرداد و سر را پائین انداختن و از میدان بدر رفتن و چه در باره تاریخ 27 ساله جمهوری اسلامی و بیعت های شتابزده با آیت الله خمینی و سپس پا پس کشیدن ها از درون دولت بازرگان و... ما این بحث ها را در شرایط کنونی جایز نمی دانیم و سکوتی که در این زمینه رعایت کرده ایم ناشی از یقینی است که به اتحاد نیروها داریم. اما اگر قرار باشد در جمهوری اسلامی و از دهان امثال پرویز ورجاوند توده ایها به ضدیت با دین متهم شوند و سوژه بدست محفل نشینان عامل و امر قتل عام سیاسی زندانیان در سال 1367 و قتل های سیاسی و زنجیره ای پیش و پس از انتخابات دوم خرداد داده شود، این سکوت دیگر جایز نخواهد بود. هم محمدعلی عموی در توضیح خود که روزنامه شرق منتشر کرده گفته و تاکید کرده و هم ما لازم می دانیم در اینجا بنویسیم که حزب توده ایران محفل دینی و کاست مذهبی نیست، بلکه قدیمی ترین حزب سیاسی ایران به مفهوم کامل آنست و حرف و سخن و برنامه اش سیاسی است نه مذهبی. به همین دلیل نیز، حتی روحانیون سرشناسی در مقام آیت الله در دهه 30 متحد و یا متمایل به سیاست حزب توده ایران بوده اند. راه توده در ماه های گذشته و در بخش "تاریخ به روایت اسناد" در همین زمینه ها تاکنون مستندات تاریخی منتشر ساخته و باز هم خواهد کرد. حتی، با آگاهی از شیوه عمل و تفکر امثال پرویز ورجاوند و با ذکر نام او در همین سلسله اسناد، بر ضرورت بازخوانی این اسناد توسط نسل جوان ملیون تاکید کرده ایم. این فصل از تلاش راه توده را باید غنی تر ساخته و بیشتر دنبال کرد، که امیدواریم کسانی که اسناد مطبوعاتی بیشتری از دهه 30 اگر در اختیار دارند آن ها را برای انتشار در اختیار ما قرار دهند.

توضیح محمد علی عموی را به نقل از روزنامه شرق در این شماره راه توده می خوانید.